

**Rereading the literature of power in accordance with the capacities
of the Islamic Republic of Iran's civilizational culture**

Received: 19/1/2024

Accepted: 28/1/2024

Siamak Bagheri Chukami¹

Faramarz Abedini²

(34-62)

What has been common in the literature of power with all its aspects and aspects so far in scientific and academic circles and at the strategic level originates from the cultural and epistemic foundations of the West. However, the Islamic Republic of Iran is a claimant of an independent cultural, social, political and economic system based on the foundations of a distinct ontology and epistemology. Therefore, the purpose of this research is to examine and explain the literature of power with the capacities of the civilizational culture of the Islamic Republic of Iran. The main question is, what kind of literature does power represent in the context of the civilizational culture system of the Islamic Republic of Iran? To achieve this question, a sequential-exploratory combined method has been used. In this context, cultural capacities were first identified and confirmed with the qualitative-quantitative method, then the power was extracted with the qualitative-qualitative method of the literature and completed and confirmed through an in-depth interview. Then the findings of these two methods were combined. The summary result of this research shows that the literature of power based on the cultural capacities of the Islamic Republic of Iran in terms of origin, nature, source, tools, methods and methods, goals, dimensions and types, actors, type of relationship, distribution of power, ways of acquiring and maintaining Power, control and transmission of power has a unique literature that is significantly different from the literature of power in the West. The most important result of this research is to base the gravity and focal point of the literature of power on the basis of civilizational culture on "monotheism", which is considered as the central signifier, the organizer of the semantic system, the integrator of all the differentiating elements and components with other literature of power.

Keywords: Islamic Republic of Iran, cultural capacities, culture, power, sources of power.

1. Associate Professor, Department of Political Science, Institute of Political Studies, Imam Sadiq Institute of Islamic Sciences, Qom, Iran (corresponding author), s.bagheri6@gmail.com.

2. PhD in Cultural Systems Engineering, Imam Hossein University, Tehran, Iran, dr.frasoabed@gmail.com.



بازخوانش ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۸

سیامک باقری چوکامی^۱فرامرز عابدینی^۲

(۳۴-۶۲)

چکیده

آنچه از ادبیات قدرت با همه ابعاد و شئون آن تاکنون در محافل علمی و دانشگاهی و در سطح راهبردی رایج بوده برگرفته و برخاسته از مبانی و مبادی فرهنگی و معرفتی غرب است. حال آنکه جمهوری اسلامی ایران داعیه‌دار نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مستقل و مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی متمایزی است. ازاین‌رو، هدف این پژوهش بررسی و تبیین ادبیات قدرت با ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی ایران است. پرسش اصلی این است که قدرت در بستر نظام فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی ایران معرف چه نوع ادبیاتی است؟ برای دستیابی به این پرسش از روش ترکیبی متوالی - اکتشافی استفاده شده است. در این زمینه، نخست با روش کیفی - کمی ظرفیت‌های فرهنگی شناسایی و تأیید شد، سپس با روش کیفی - کیفی ادبیات قدرت استخراج و به‌وسیله مصاحبه عمقی، تکمیل و تأیید شد. آنگاه یافته‌های این دو روش با هم ترکیب شدند. نتیجه اجمالی این پژوهش بیانگر آن است که ادبیات قدرت مبتنی بر ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از حیث منشأ، ماهیت، منبع، ابزار، روش و شیوه، اهداف، ابعاد و انواع، بازیگران، نوع رابطه، توزیع قدرت، راه‌های کسب و حفظ قدرت، مهار و انتقال قدرت دارای ادبیات منحصر به فرد است که با ادبیات قدرت در غرب تمایز بینادی دارد. مهم‌ترین نتیجه این پژوهش ابتدای نقطه ثقل و کانونی ادبیات قدرت بر پایه فرهنگ تمدنی بر «توحید» است که به‌مثابه دال مرکزی، سازمان‌دهنده نظام معنایی، انسجام‌بخش همه عناصر و مؤلفه‌های متمایزکننده با دیگر ادبیات قدرت شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت‌های فرهنگی، فرهنگ، قدرت، وجوه قدرت.

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی، پژوهشکده مطالعات سیاسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول)، s.bagheri6@gmail.com

۲- دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی، دانشگاه امام حسین علیه السلام، تهران، ایران، dr.frasoabed@gmail.com

بیان مسئله

قدرت از مفاهیمی است که در نسبت با جغرافیای فرهنگی و زیست‌بوم تاریخی هر نظام اجتماعی و مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی در نظام فرهنگی معنا یافته و قابل تبیین است. فرهنگ‌ها نیز مبتنی بر هویت تاریخی و دستگاه معرفتی خود الگوها و مدل‌های متفاوتی از بازتعریف و بازتولید قدرت ارائه می‌دهند.

ازاین‌رو، هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند تنها با عاریه گرفتن این مفهوم از مکاتب فلسفی و جهان زیست دیگر، به تعمیم‌بخشی آن در نظام اجتماعی خود بپردازد. هرچند هژمونی فکری به یاری نظام سلطه آموزشی و رسانه‌ای کوشش بسیاری در تعمیم‌بخشی و تسریع ادبیات قدرت مبتنی بر منظومه فکری - فرهنگی و چهارچوب‌های گفتمانی خود، به نظام‌های دیگر کرده است.

فقر و فقد استخراج ادبیات بومی در زمینه قدرت مبتنی بر مبانی دینی و زیست‌بوم تاریخی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران ازسویی، و نفوذ و تهاجم ادبیات مفهوم و نظری غرب از قدرت در نظام آموزشی و پژوهشی و اجرایی ازسوی دیگر، به محوریت ادبیات قدرت مبتنی بر نظام فرهنگی غرب در کشور منجر شده است.

این درحالی است که تاکنون پژوهش‌های قابل اعتنایی در زمینه ادبیات قدرت بومی صورت نگرفته است. ازاین‌رو، نیاز جمهوری اسلامی ایران به داشتن ادبیات قدرت متناسب با نظام فکری و فرهنگی خود مسئله اصلی این پژوهش است. مفروض پژوهش این است که مبانی اسلامی و نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از ادبیات قدرت منحصر به فردی برخوردار است که تمایز بنیادی با ادبیات غرب در تمام وجوه قدرت دارد.

با جوداین، پژوهش پیش‌رو از سه منظر نظری، راهبردی و کاربردی دارای اهمیت و ضرورت است:

الف) از حیث نظری:

- ۱- تعارض و تباین ادبیات قدرت متعارف غربی با مبانی معرفتی و اهداف حاکمیت اسلامی،
- ۲- فقر ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی

ایران، ۳- نداشتن منابع معتبر آموزشی از ادبیات قدرت مبتنی بر الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی؛

(ب) از حیث راهبردی:

۱- شائبه سکولاریزه شدن اعمال حاکمیت به واسطه نفوذ و سیطره ادبیات غربی مربوط به قدرت، ۲- اعمال قدرت منبعث از نظام معرفتی و فرهنگی اسلام، ۳- خدشه دار شدن هویت جمهوری اسلامی در داعیه داری طرح نوین از اعمال حاکمیت اسلامی در عرصه روابط بین الملل؛

(ج) از حیث کاربردی:

۱- بروز شکاف ادراکی و تعارض رفتاری میان دانش آموختگان ادبیات قدرت مصطلح غربی با راهبری نظام برای حاکمیت ارزش های دینی، ۲- مغفول ماندن و به فعلیت نرسیدن ظرفیت های فرهنگی جمهوری اسلامی در پیشینه سازی وجوه قدرت، ۳- زمینه سازی اقبال نخبگان و مدیران به کاربرست قدرت مبتنی بر ادبیات رایج غربی.

روشن است انقلاب شکوهمند اسلامی ایران با خاستگاه دینی، فرهنگی و تاریخی منحصربه فرد و با داعیه برپایی تمدن مبتنی بر ارزش های ایمانی بدون تعریف و تبیین بومی و دینی از مسائل کلان راهبردی، از جمله قدرت، نمی تواند از هویت و نقش اصالی خود برآید. این درحالی است که تاکنون پژوهش های درخور اعتنایی در زمینه ادبیات قدرت بومی صورت نگرفته است. از این رو، نیاز جمهوری اسلامی ایران به داشتن ادبیات قدرت متناسب با نظام فکری و فرهنگی مسئله اصلی این پژوهش است. بر این پایه، پژوهش پیش رو در پی یافتن پاسخ این پرسش هاست: ۱- جمهوری اسلامی ایران از چه ظرفیت های فرهنگی برخوردار است؟ ۲- ویژگی ها و مختصات ادبیات قدرت مبتنی بر ظرفیت های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کدام اند؟

مفروض پژوهش پیش رو این است که مبانی اسلامی و نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از ادبیات قدرت منحصربه فردی برخوردار است که با ادبیات غرب در تمام وجوه قدرت تمایز بنیادی دارد.

۱. پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهش‌های قابل توجهی درباره ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی ج.ا.ا. انجام نشد، ولی برخی مطالعات انجام‌شده بیانگر امعان نظر کلی نسبت به مفهوم قدرت است. برای نمونه، حافظ‌نیا و همکارانش (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها»، به عناصر قدرت ملی ج.ا.ا. نیز پرداخته است. محمود عسکری (۱۳۸۶) در مقاله علمی و پژوهشی «شاخص‌های قدرت منطقه‌ای»، به این موضوع توجه کرده است. محمدرضا حافظ‌نیا و سیده‌ادی زرقانی (۱۳۸۶) موضوع قدرت ج.ا.ا. را در مقاله «جایگاه جمهوری اسلامی در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای» مورد بررسی قرار دادند.

درباره ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز مطالعاتی انجام شده است که برخی از آنها به تبیین ارتباط فرهنگ با قدرت جمهوری اسلامی پرداخته‌اند. با این حال، جلیل دارا و سعید قربانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان بازشناسی بازشناسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، با مفروض گرفتن رابطه بین مؤلفه‌های فرهنگی حکومت‌ها با تمدن، فرهنگ جمهوری اسلامی را اصلی تمدن‌ساز تلقی کرده است. یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را از اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای استخراج کرده است. علی نوری مطلق (۱۳۸۹) در مقاله خود با نام ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی شیعه، به تأثیرات فرهنگ شیعی در شکل تمدن پرداخته است. مرتضی شیرودی (۱۴۰۰) در مقاله پیوندهای معنایی قدرت نرم و تمدن نوین اسلامی در راهبرد تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌کوشد رابطه معناداری و تکاملی بین قدرت نرم و تمدن نوین اسلامی را کشف کند. خسروی و جباری ثانی (۱۳۹۰) در مقاله ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی، کوشیده‌اند تا نقش ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل فرهنگی جمهوری اسلامی را بر مفاهیم دیپلماسی عمومی بررسی کنند. ابراهیمی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله ظرفیت‌های فرهنگی - هویتی جهان فطری، این ظرفیت‌ها را به‌عنوان زیست‌جهان بنیادین میان جهان‌های متکثر فرهنگی بررسی کرد. همچنین محمود

عسکری (۱۳۹۰) با عنوان «عوامل شکل دهنده و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران»، ناصر حسن‌پور (۱۳۹۰) در مقاله «مبانی دینی فرهنگ راهبردی ج.ا.ا ایران»، علی طائفی (۱۳۷۴) در مقاله «فرهنگ بیگانه‌ستیزی و موضع ایرانیان در مقابل فرهنگ مهاجم» و مسعود موحدی (۱۳۸۳) در کتاب «تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی» به ظرفیت‌های فرهنگی اشاره کرده‌اند.

بخشی از پژوهش‌های مرتبط به مفهوم قدرت در جمهوری اسلامی با همان ادبیات مصطلح قدرت پرداخته‌اند و از اساس، در پی بیان قدرت مبتنی بر فرهنگ اسلامی و ملی نبوده‌اند. تمرکز بخش دیگری از پژوهش‌ها بر فرهنگ و ظرفیت‌های فرهنگی ج.ا.ا بوده است، بدون اینکه این ظرفیت‌ها را در بازخوانش ادبیات قدرت بررسی کنند. از این رو، نوآوری این پژوهش در مقایسه با مطالعات انجام‌شده، این است که تبیین ادبیات قدرت (نه خود قدرت) متناسب و متناظر با بافتار نظام معرفتی و ارزشی فرهنگ تمدنی ج.ا.ا مورد بررسی و واکاوی قرار داده است. در واقع این پژوهش در پی این است که ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی ج.ا.ا چه نوع ادبیات قدرت را معرفی می‌کند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تمهیدات مفهومی

این نوشتار بر پایه دو مفهوم کلیدی قدرت و ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی بنا شده است. بازخوانش ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی تمدنی در آغاز امر در گروه فهم معنای قدرت و ظرفیت‌های فرهنگی است.

منظور از ادبیات، شرح و بسط دامنه تعاریف، اصطلاحات و یافته‌های نو و بدیع و نیز گسترش و تحکیم فرهنگ و دانش نظری در موضوع قدرت مبتنی بر پارادیم معرفتی و مبانی نظری اسلام و ارزش‌های فرهنگی - تاریخی جامعه ایران است.

با این وصف، قدرت یکی از مفاهیمی است که با وجود سادگی در فهم نخستین از آن، از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار است. از این رو، درک یکسان و هماهنگ از این واژه وجود ندارد. در گفتمان غربی و اسلامی، تعریف قدرت ملهم از مبانی معرفتی و ارزشی متفاوت

از هم می‌باشند. علی‌اکبر دهخدا لفظ قدرت را در زبان فارسی به «توانستن و توانایی داشتن» معنا می‌کند. (دهخدا، بی‌تا، ج ۳۷: ۱۷۶) در فرهنگ‌نامه «محمد معین» نیز دو معنای مشابه «توانایی داشتن و توانستن» و سه مفهوم مرتبط «صفی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد، مبدأ قریبی که افعال گوناگون از آن صادر شود و قوه‌ای که مستجمع شرایط تأثیر باشد»، پیشنهاد شده است. (معین، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۶۴۴)

ظرفیت در فرهنگ دهخدا، به معنای گنجایش، بارگیر، وسع، آب‌گیر، استعداد و قوه آمده است. (دهخدا، ج ۱۵) در فرهنگ نفیسی، ظرفیت به معنای قابلیت و مقدارگنجایش آمده است. (نفیسی، ۱۳۴۳، ج ۳: ۲۲۷۵) در اصطلاح ظرفیت اغلب به‌عنوان توانایی فرد، گروه، سازمان و دولت در انجام اقدامات اثربخش و مداوم برای دستیابی به اهداف تعبیر می‌شود. (دانایی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۶) «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره همه عادت‌ها و رفتار و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را برعهده دارد». (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۱۳ و ۱۱۲) فرهنگ تمدنی به معارف، باورها، ارزش‌ها و هنجارها و شیوه‌ها و نمادهای و... گفته می‌شود که تمدن‌ساز است. از این نظر باتوجه به اینکه فرهنگ زیربنای تمدن است، هر تمدنی فرهنگ تمدنی ویژه خود را دارد. از این رو، ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی به مجموعه توانایی‌ها، قابلیت‌ها، سرمایه‌های باوری، اعتقادی، ارزشی - اخلاقی، هنری، عادت‌ها و رفتاری اشاره دارد. مراد از ظرفیت‌شناسی فرهنگی نیز شناسایی مجموعه توانایی‌ها، قابلیت‌ها، سرمایه‌ها و امکانات دولت برای دستیابی به ادبیات قدرت، امنیت و تهدید در جمهوری اسلامی ایران است.

۲-۲. سازه‌های ادبیات قدرت

ادبیات قدرت با سازه‌های مختلف قابل شناخت است. مطالعات قدرت نشان می‌دهد که این مفهوم از منظرهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است که مجموع آنها سازه‌های ادبیات قدرت را تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین این سازه‌ها باتوجه به تعریف مورد نظر این مقاله عبارت‌اند از:

- منشأ قدرت: عبارت است از مجموعه مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که نشانگر مبدأ قدرت، محل صدور، اسباب صدور و نیز متعلق قدرت است؛

- ماهیت قدرت: ماهیت، ذات و چیستی یک شیء را گویند. ماهیت قدرت عبارت است از مجموعه معیارها و مشخصات مبتنی بر فرهنگ اسلامی - ایرانی که مبنای حقیقی و اعتباری، اصالی و عرضی، ذاتی و بالغیر، چگونگی قدرت و صفات متمیزه قدرت است؛

- انواع قدرت: عبارت است از تقسیم‌بندی قدرت که از حیث‌ها و اعتبارات گوناگون، بیانگر تنوع و گستره قدرت است؛

- کارکرد و کاربرد قدرت به معنی کارکرد مجموعه آثار، نتایج و پیامدهای هر چیز است. منظور از کارکرد و کاربرد قدرت، غایات و نتایج و آثاری است که از کاربست قدرت در چهارچوب ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ایرانی انتظار می‌رود؛

- منابع قدرت: به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که به‌کارگیری آن بر منافع یا رفتارهای دیگران اثر می‌گذارد، منابع قدرت گفته می‌شود. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۶) به بیان دیگر، منابع قدرت عبارت است از وجود شرایط، زمینه‌ها، موقعیت‌ها و ویژگی‌هایی که از نظر فرهنگ اسلامی و ایرانی، قدرت باید مبتنی بر آنها اخذ و تولید شود؛

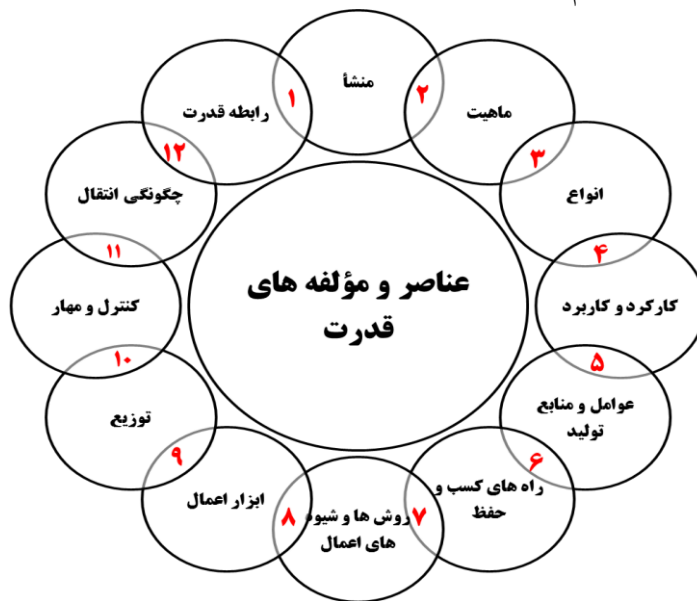
- کسب و حفظ قدرت: مراد از کسب و حفظ قدرت اشاره به روش‌ها و راه‌های دستیابی به قدرت و پایداری و ارتقای آن دارد. به عبارت دیگر، مجموعه بایسته‌ها و نبایسته‌های فرهنگ اسلامی و ایرانی که باید در تصاحب، صیانت و نگهداری قدرت مورد توجه قرار گیرد؛

- روش‌ها و شیوه‌های اعمال قدرت: به مجموعه‌ای از راه‌ها، شیوه‌ها، یا فنون و یا حتی قواعد و اصولی که در اعمال قدرت به‌کار برده می‌شود؛ (ر.ک. نبوی، ۱۳۷۴: ۲۶)

- ابزار قدرت: منظور از ابزار قدرت، شکل‌ها و روش‌های بهره‌گیری از وسایل و ابزاری است که فرهنگ اسلامی و ایرانی آنها را برای تحمیل و ترغیب اهداف خود بر دیگران مجاز و ممنوع شمرده است؛

- توزیع قدرت: مقصود از توزیع قدرت چگونگی و سازوکار بهره‌مندی از تسهیم و تقسیم قدرت بر پایه ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی است؛

- کنترل و مهار قدرت: منظور از کنترل و مهار قدرت، چگونگی اعمال مراقبت‌ها و محدودیت‌هایی است که فرهنگ اسلامی - ایرانی برای جلوگیری از انحراف و سوءاستفاده از قدرت تجویز می‌کند؛
- انتقال قدرت: انتقال قدرت به معنای نحوه دست‌به‌دست شدن قدرت میان حاکمیت است. منظور از آن در این پژوهش، بیان مختصات و ویژگی‌هایی چگونگی جابه‌جایی و دست‌به‌دست شدن قدرت در چهارچوب فرهنگ اسلامی - ایرانی است؛
- رابطه قدرت: این سازه معرف نحوه و چگونگی تعامل و ارتباط حاکمان و کارگزاران و حکومت‌شوندگان (مردم) است.



۳. چهارچوب نظری

براساس گفتمان اسلامی، بین فرهنگ و قدرت، رابطه‌ای اندام‌واره برقرار است؛ باوجوداین، فرهنگ نسبت به عرصه‌های دیگر قدرت مانند عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوریانه، نقشی زیربنایی دارد. ازجمله مؤیدات روشن دراین باره سخن رهبر کبیر انقلاب امام خمینی علیه السلام است که فرموده‌اند:

بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد،

فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ درواقع، هویت و موجودیت جامعه را تشکیل می‌دهد؛ با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، پوچ و میان‌تهی است. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۵: ۲۴۳)

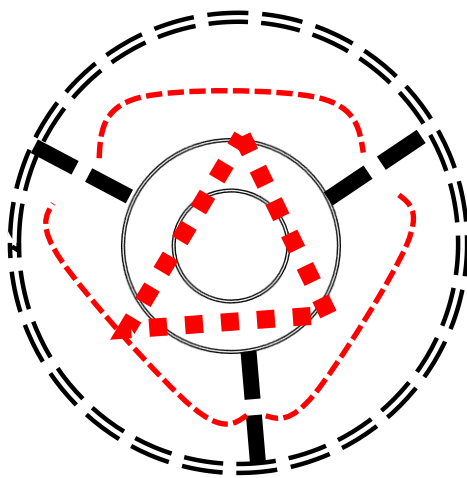
رهبر معظم انقلاب نیز فرموده‌اند: «فرهنگ هویت یک ملت است. اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند؛ به این باید توجه کرد. نمی‌توانیم فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم». (بیانات، ۱۳۹۲/۹/۱۹) «فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگی است». (بیانات، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷) این بیان روشن می‌سازد که فرهنگ در ذات خود، بر اقتصاد، سیاست و همه عرصه‌های اجتماع تأثیر می‌گذارد و برعکس توانایی و قابلیت (ضعف‌ها و قوت‌ها) اقتصادی، سیاسی و... هر کشور تأثیر و اثر وضعی در عرصه فرهنگ دارد.

درواقع، فرهنگ بر ماهیت (هدف و فلسفه)، مرجع و موضوع، کارکرد و کارویژه، شیوه‌های تأمین، ابزارهای اعمالی، منابع، بازیگران، حوزه قدرت تأثیرگذار است. فرهنگ به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در تولید و بازتولید قدرت ملی و سپس کاربرد مشروع آن در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و ایجاد اقتدار ملی نقش دارد. ابعاد معنوی قدرت، یعنی نظام فلسفی - ارزشی، ویژگی‌های ملی، پیشینه و هویت تاریخی، روحیه ملی، کیفیت رهبری و مدیریت ملی، کیفیت دیپلماسی خارجی و سرانجام شخصیت (پرستیژ) ملی به‌طور مستقیم در فرهنگ ملی و مؤلفه‌های آن ریشه دارد.

جمع‌بندی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان بیانگر آن است که قدرت ماهیت فرهنگی دارد. زیرا فرهنگ دینی قدرت را در پیوستاری ارزشی و شرعی تعریف می‌کند. ازاین‌رو، قدرت در فرهنگ اسلامی، تنها با شاکله رحمانی مجاز است و ظهور و بروز دارد و هرگونه قدرت مبتنی بر شاکله شیطانی را غیرمجاز و مردود می‌شمارد. همچنین، فرهنگ نقش تعیین‌کننده‌ای در کارکرد و کارویژه‌های قدرت دارد. از این نظر، قدرت برآمده از فرهنگ دینی کارکرد عدالت‌طلبانه دارد و براساس آموزه‌های دینی، قدرتی قداست و مشروعیت پیدا می‌کند که تأمین‌کننده عدالت و نفی‌کننده ستم و تجاوز باشد. تحکیم، تعمیق و گسترش و

توسعه ارزش‌های الهی و انسانی از دیگر کارکردها و کاربردهای قدرت در فرهنگ ایرانی و اسلامی است.

در دیدگاه دانشمندان اسلامی، قدرت در فرهنگ اسلامی - ایرانی فراهم‌کننده زمینه و امکانات سعادت دنیوی - اخروی، مادی - معنوی و این جهانی - آن جهانی است. مطالعات عالمان دینی در حوزه فرهنگ و قدرت به این نتیجه راهنمون می‌شود که خداوند خود بازیگر صحنه قدرت است چون قدرت مطلق از آن اوست. بنابراین، بازیگری خداوند در صحنه بازیگران قدرت، اصلی و تعیین‌کننده است. بازیگران قدرت محدود به بازیگران انسانی - بشری و ظاهری - شهودی نیست، بلکه افزون‌برآن، بازیگران غیرانسانی - غیربشری و نافیزیکی - غیبی در صحنه قدرت نقش‌آفرین‌اند. با جست‌وجو در منابع و متون دانشمندان دینی در حوزه‌های فرهنگ و قدرت، نقش تأثیرگذار فرهنگ بر منابع قدرت روشن می‌شود. فرهنگ دینی ضمن برشمردن عواملی همچون ایمان، علم، سرمایه، عده و عده و... به عنوان منابع قدرت، ایمان را منبعی قدرت‌ساز در همه شرایط زمانی و مقتضیات محیطی معرفی می‌کند. منابع قدرت ارزش یکسانی ندارند، بلکه برخی از منابع قدرت در مقایسه با دیگر منابع از ترتب و اولویت ویژه‌ای برخوردار است. ازاین‌رو، منابع نرم، معنوی، الهی و غیبی بر منابع سخت، مادی، بشری و شهودی - عینی تقدم دارند. قدرت بیشینه امنیت و کمینه تهدید را در پی دارد.



۴. روش‌شناسی تحقیق

نوع پژوهش در این بررسی اکتشافی ترکیبی است. براساس عنوان این پژوهش، فرایند روش‌شناسی برای دو منظور شناسایی ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی به صورت کیفی - کمی و استخراج ادبیات قدرت نیز به صورت کیفی - کیفی به کار رفته است.

نوع طرح	کاربرد	اولویت	مرحله ترکیب داده‌های کمی و کیفی	استفاده از چهارچوب نظری	توضیحات
متوالی - اکتشافی	کیفی دنبال شده با کمی	به طور معمول کیفی	فقط در مرحله تفسیر داده‌ها	شاهد داشته باشد	گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی + گردآوری و تحلیل داده‌های کمی = تفسیر کل تحلیل‌ها

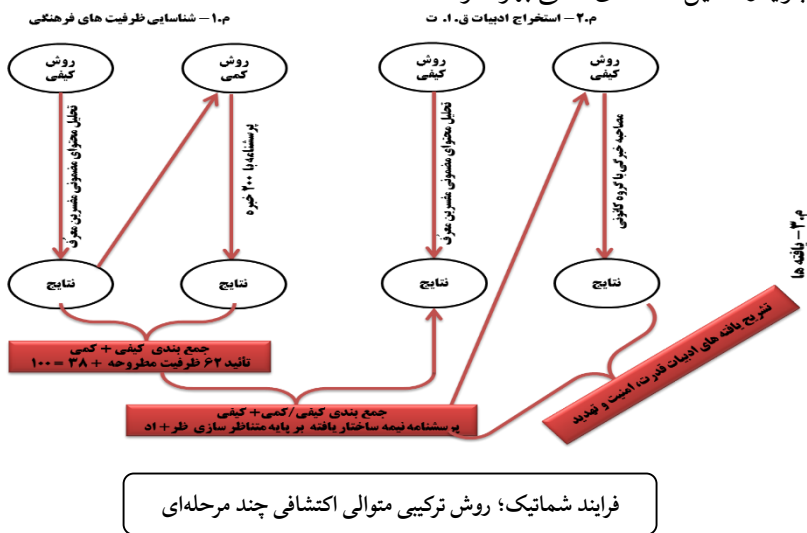
(منبع: کرسول و همکاران، ۲۰۰۳: ۲۲۴)

در این پژوهش، از روش اسنادی برای اکتشاف داده‌ها و روش پیمایش با تکنیک پرسش‌نامه و مصاحبه عمقی بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش دو دسته‌اند؛ درباره ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی مشتمل بر خبرگان، نخبگان و صاحب‌نظران کشور که دارای اشراف علمی و تحصیلات دکتری و معادل هستند. براین اساس، حجم آماری به تعداد دویست نفر تخمین زده شد. در زمینه ادبیات قدرت، حداکثر سی نفر از صاحب‌نظران مطالعات قدرت و فرهنگ در نظر گرفته شد، که تا ۲۴ نفر به اشباع نظری رسید.

حجم نمونه آماری ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از طریق فرمول کوکران به این شرح، تعداد ۱۳۱ نفر انتخاب شد. $\alpha = 0.05$ و درصد اطمینان ۰/۹۵ در نظر گرفته می‌شود ($\alpha - 1$ 100%) تا نتایج به دست آمده از اطمینان بالایی برخوردار باشد. همچنین به علت اهمیت موضوع، $d = 5\%$ انتخاب شد.

$$n = \frac{\frac{1/96 \times 1/96 \times 0.5 \times 0.5}{0.0025}}{1 + \frac{1}{200} \left(\frac{1/96 \times 1/96 \times 0.5 \times 0.5}{0.0025} - 1 \right)} = 131$$

روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدف‌دار است. در نمونه‌گیری هدف‌دار، پژوهشگر براساس اطلاعات پیشینی از جامعه و با توجه به هدف‌های معینی، داوری شخصی خود را برای انتخاب نمونه به کار می‌برد. پژوهشگر در این حالت فرض می‌کند اطلاعات او می‌تواند به انتخاب نمونه معرف جامعه کمک کند. (دلاور، ۱۳۷۸: ۱۱۲) برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی مربوط به ظرفیت‌های فرهنگی و ادبیات قدرت، از روش تحلیل محتوای مضمونی استفاده شد. براین اساس، مضامین فراگیر (ابعاد)، مضامین سازمان‌دهنده (مؤلفه‌ها) و مضامین پایه (معرف‌ها) استخراج شد. و از نرم‌افزار spss برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی بهره گرفته شد.



۵. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های به دست آمده از توزیع پرسش‌نامه مربوط به ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی و نیز مصاحبه‌های عمقی و هدف‌دار از نخبگان و صاحب‌نظران درباره ادبیات مستخرجه قدرت در دو بخش به شرح ادامه، تجزیه و تحلیل و گزارش می‌شود. در بخش نخست، به روش کیفی و سپس کمی، ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی شناسایی شدند.

۵-۱. یافته‌های ظرفیت فرهنگ تمدنی

ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی نخست در ادبیات نظری استخراج شد و سپس نتایج این مرحله

طی پرسش نامه‌ای در معرض خبرگان قرار داده شد. تجزیه و تحلیل آماری یافته‌های پیمایش ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی ج.ا.ا از نظر شناسایی و تأیید یا رد ظرفیت‌ها و تعیین ابعاد و سطوح آن به این شرح است:

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل پرسش نامه ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی مطابق جدول مربوطه در متن گزارش نشان‌دهنده این نتایج است که با تأیید جامعه نخبگان در مجموع، ۶۴ ظرفیت فرهنگ تمدنی از بین ۱۰۱ ظرفیت، نشانگر کثرت و گستردگی ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی است. این حجم گسترده ظرفیت‌های فرهنگی، که برگرفته از فرهنگ اسلام، فرهنگ تاریخی - ایرانی و فرهنگ انقلابی است، به دلیل گستره دامنه موضوعی از حیث ظرفیت‌های فرهنگ دینی - مذهبی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ استراتژیک - دفاعی، فرهنگ اقتصادی، فرهنگ عمومی، فرهنگ زیست محیطی، فرهنگ هنری معماری، فرهنگ مدیریت، فرهنگ ادبی زبانی، ... رابطه وثیقی در تولید ادبیات قدرت، امنیت و تهدید دارند.

در این پژوهش مجموعه ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی با وجود همه تنوع موضوعی از سه بعد شناختی - باوری، ارزشی - عاطفی و رفتاری - نمادی برخوردارند. ثمره و فواید حاصل از بُعدشناسی موصوف عبارت‌اند از:

- کشف و درک ابعاد و مؤلفه‌های سه‌گانه ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی این امکان را برای مدیریت راهبردی در مسیریابی تولید و اعمال قدرت فراهم می‌آورد تا با تفکیک و تمایز بخشی این سه بُعد نحوه و چگونگی فرایند برخورداری و ارتقای سطح قدرت را بشناسد؛

- بُعدشناسی سه‌گانه با عطف نظر به مفروضات پیشینی مبنی بر اهمیت و وزن بُعد شناختی - باوری بر دیگر ابعاد، نخست، دلالت دارد بر اینکه بیشترین و مهم‌ترین منبع تولید ادبیات قدرت مربوط به حوزه باورها، مبانی اعتقادی و توحیدی است؛ در درجه دوم، مدیر استراتژیک نیز باید بیشترین اهتمام را در تولید و اعمال قدرت به ترتیب اولویت به ظرفیت‌های شناختی - باوری، بعد از آن به ظرفیت‌های عاطفی - ارزشی و سرانجام به

ظرفیت‌های رفتاری - نمادی اختصاص دهد؛ سومین ثمرهٔ این بُعدشناسی در تمایز بخشی ادبیات قدرت جمهوری اسلامی ایران با نظام‌های سیاسی دیگر است. زیرا تولید ادبیات در این سه عرصه در هر جامعه‌ای مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و غایت‌شناسی سامان می‌یابد. با توجه به تعارض و تمایز مبنایی نظام معنایی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها به‌ویژه جوامع غربی، مدیر راهبردی باید با پرهیز از عاریه گرفتن نظام معنایی غرب و با تکیه بر اصول و قواعد نظام معنایی اسلامی - ایرانی به تولید ادبیات و اعمال قدرت مبادرت ورزد؛

- ادبیات قدرت برآمده از ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی ایران از همهٔ ابعاد سه‌گانه مشوب شده و ارتزاق می‌کند. ولی واکاوی این ادبیات نشانگر آن است که ادبیات معطوف به منشأ و ماهیت قدرت، بیشتر ناظر به بُعد شناختی - باوری و ادبیات معطوف به منبع و مرجع بیشتر ناشی از بُعد عاطفی - ارزشی و سرانجام ادبیات معطوف به ابزار و شیوه‌ها از بعد رفتاری - نمادی نشئت می‌گیرند.

در این پژوهش، مجموعهٔ ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی در دو سطح ملی و فراملی جایابی شده‌اند. با وجود این، از منظر جامعه آماری، ظرفیت‌های فرهنگی ملی قابلیت بُرد فراملی نیز دارند. بر پایهٔ این یافته، ادبیات قدرت جمهوری اسلامی به دلیل فطری و توحیدی بودن می‌تواند در خارج از مرزهای جغرافیایی، به‌ویژه جهان اسلام الگویی نافذ و الهام‌بخش باشد.

ردیف	ظرفیت‌های فرهنگی	درصد	ردیف	ظرفیت‌های فرهنگی	درصد
۱	حرمت و قداست قرآن	۹۷/۷	۳۲	برخورداری از مشاهیر و مفاخر ملی	۹۳
۲	مناسبت‌های مذهبی و ایام الله	۹۷/۷	۳۳	زبان فارسی	۹۲/۲
۳	اعتقاد و توسل به پیامبر ﷺ و معصومان 	۹۷/۶	۳۴	رسانه ملی	۹۲/۲
۴	نهاد مسجد	۹۷/۶	۳۵	تفوق جمعیتی مذهب شیعه جعفری	۹۱/۹
۵	هیئت‌ها و تکایای مذهبی	۹۷/۶	۳۶	اعتقاد به معاد، باور به بهشت	۹۱/۵

	و جهنم				
۹۱/۵	پیشینه تمدنی، عظمت و افتخارهای تاریخی و ملی ایرانی	۳۷	۹۶/۹	توحیدباوری و باور به اینکه خدا خالق و مالک هستی است.	۶
۹۱/۴	پیوند میان دین و سیاست؛ باور به اینکه سیاست ما عین دیانت ماست	۳۸	۹۶/۹	ارج و قرب شهدای دفاع مقدس در بین مردم	۷
۹۱/۴	تعاون و همیاری	۳۹	۹۶/۹	سنت‌ها، آیین و آداب و رسوم ملی	۸
۹۱/۳	حس همدلی و همدردی	۴۰	۹۶/۹	میراث فرهنگی	۹
۹۱/۲	تولی و تبری	۴۱	۹۶/۹	آمادگی دفاع از ارزش‌ها	۱۰
۹۱/۱	تسلیم در برابر قضا و قدر و اراده الهی	۴۲	۹۶/۲	تفکر عاشورایی، ایثار و روحیه شهادت طلبی	۱۱
۹۰/۷	اعتقاد به نصرت الهی و امدادهای غیبی	۴۳	۹۶/۱	انتظار، موعودگرایی و منجی طلبی	۱۲
۹۰/۶	نهاد علمی حوزه و دانشگاه	۴۴	۹۵/۳	ولایت محوری و اطاعت از ولی فقیه	۱۳
۹۰/۶	صدقات	۴۵	۹۵/۳	معنویت گرایی	۱۴
۹۰/۶	تجربه‌های تاریخی رویارویی با بحران‌ها و تهدیدها	۴۶	۹۵/۳	استقلال طلبی	۱۵
۸۹/۸	پیشرفت علم و فناوری‌های علمی	۴۷	۹۵/۲	عزت‌مداری اسلامی	۱۶
۸۹/۸	نگرش و گرایش هم‌زمان مادی و معنوی و دنیوی و اخروی	۴۸	۹۴/۶	تکلیف‌گرایی و تسلیم در برابر اوامر و نواهی دینی.	۱۷
۸۹/۸	تفکر بسیجی، جهادی و روحیه انقلابی	۴۹	۹۴/۶	استبدادستیزی و ظلم‌ستیزی	۱۸
۸۹/۸	علقه و پیوند عاطفی به رهبران حکیم و فرزانه	۵۰	۹۴/۵	عرق و حمیت ملی و وطن‌دوستی	۱۹
۸۹/۸	فرهنگ خمس و زکات	۵۱	۹۴/۵	غیرت و تعصب دینی	۲۰
۸۹/۱	بصیرت و معرفت دینی و سیاسی	۵۲	۹۴/۵	نهاد روحانیت و مرجعیت دینی	۲۱
۸۹/۱	شبکه گسترده بسیج مردمی	۵۳	۹۴/۵	دعا و نذورات	۲۲

۲۳	احترام، علقه و اعتقاد به امام خمینی علیه السلام	۹۳/۸	۵۴	فرهنگ وقف	۸۹/۱
۲۴	عدالت‌باوری و عدالت‌گرایی	۹۳/۸	۵۵	امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر	۸۸/۴
۲۵	استکبارستیزی و دشمن‌ستیزی	۹۳/۸	۵۶	روحیه و گفتمان مقاومت و پایداری	۸۸/۴
۲۶	استحکام نهاد خانواده	۹۳/۸	۵۷	رشد سواد و افزایش ضریب تحصیلات	۸۸/۴
۲۷	سازگاری و تعامل علمی و فرهنگی با جهان	۹۳/۷	۵۸	رشد خواص و نخبگان انقلابی ولایت‌مدار	۸۸/۴
۲۸	تقرب و کسب رضایت پروردگار در کارها	۹۳	۵۹	استعداد هنری و ادبی	۸۶/۸
۲۹	مردم‌سالاری دینی و مردمی بودن نظام دینی	۹۳	۶۰	هاضمه قوی فرهنگی ایرانی در جذب و دفع عناصر بیرونی و تحمیلی	۸۵/۸
۳۰	اعتماد به نفس و خودباوری ملی	۹۳	۶۱	علو طبع و بلندهمتی ایرانی	۸۵
۳۱	همزیستی قومی و هم‌گرایی ملی	۹۳	۶۲	استعداد و هوش ایرانی	۷۸/۱

۵-۲. یافته‌های ادبیات قدرت

یافته‌های به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده با نخبگان و صاحب‌نظران نشان‌دهنده این است که ادبیات قدرت مبتنی بر ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دارای دوازده عنصر و مؤلفه اساسی است که هریک از آنها دارای ویژگی‌ها و مختصات منحصر به فردی هستند. مجموع این ویژگی‌ها شامل ۱۱۳ گزاره، ادبیات مستخرجه قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی را تشکیل می‌دهند.

۵-۲-۱. منشأ قدرت

تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های نخبگان و صاحب‌نظران درباره منشأ قدرت متناسب یا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی بیانگر هفت یافته کانونی است که در این محور تشریح می‌شود.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی منشأ همهٔ قدرت‌ها را قدرت مطلق ذات باریتعالی می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت بشری تفویضی است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت بشری ناشی از اسباب و سنت‌های (مادی و معنوی) الهی است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت جامعهٔ ایمانی ناشی از امدادهای غیبی و یاری سربازان الهی است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه خداوند به هرکه بخواهد، قدرت و عزت بخشیده یا باز می‌ستاند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت بر این دارد که قدرت بشری مطلق نیست، بلکه مقید است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد قدرت جامعهٔ غیرایمانی ناشی از توهم قدرت است.

۲-۲-۵. ماهیت قدرت

تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های نخبگان و صاحب‌نظران دربارهٔ ماهیت قدرت متناسب یا ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی - ایرانی بیانگر دوازده یافتهٔ کانونی است که در ادامه تشریح می‌شود.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت در ساحت ربوبی اصالی و حقیقی است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ماهیت بالغیر و اعتباری بودن قدرت در ماسوی الله دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه ماهیت قدرت عین حکمت و شعور است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ماهیت وسیله‌ای و ابزاری بودن قدرت (در ساحت انسانی) دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ماهیت چندوجهی و چندساحتی بودن قدرت دلالت دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت بشری دارای ماهیت ذومراتبی است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت بشری ماهیت نسبی و اقتضایی دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ماهیت قدسی بودن و تنزیهی قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ماهیت رحمانی و لطف بودن قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه ماهیت قدرت جامعه‌ایمانی راسخ و تسخیرناپذیر است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر نهی ماهیت شیطانی و طاغوتی قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه قدرت جامعه‌ی غیرایمانی ماهیت عنکبوتی دارد.

۳-۲-۵. انواع قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث غیب و شهود بر قدرت متافیزیک (خدا، ملائکه و...)، نافیزیک (روحی، روانی و...) و فیزیک (عده و عده) دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث مظاهر اسماء حسنی بر قدرت جلالی و جمالی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث موضوع، بر قدرت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، معنوی، علمی، اقتصادی و نظامی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث جنس بر قدرت سخت، نرم، نیمه‌سخت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث ابزارمندی بر قدرت ابزاری و فرا ابزاری دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث بُعد بر قدرت مادی و قدرتهای معنوی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث منشأ بر تکوینی و تشریعی بودن قدرت دلالت دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث منبع بر منابع قدرت انسانی، منابع قدرت طبیعی و منابع قدرت ماوراءالطبیعی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث سطح، دلالت بر قدرت فردی، جمعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث شیوه برخورداری دلالت بر قدرت تفویضی و قدرت اکتسابی دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث پایداری، بر قدرت سست (عنکبوتی) و مرصوص (جبل راسخ) دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث سلامت بر قدرت قدسی (حق) و شیطانی (باطل) دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی از حیث نتیجه بر قدرت اربعایی - اجباری معطوف به تسلیم و قدرت اقناعی معطوف به تمکین و پذیرش دلالت دارد.

۴-۲-۵. کارکرد و کاربرد قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد قدرت در رشد و به کمال رساندن انسان‌ها و سعادت جمعی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد قدرت برای اقامه حاکمیت دین و عبودیت الهی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد و کاربرد قدرت برای تمدن‌سازی، رفاه و پیشرفت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه کارکرد قدرت مهارکننده رذائل، دفع تجاوز و رهایی‌دهنده انسان از غل و زنجیر است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد و کاربرد حق‌مدارانه قدرت و مبارزه و چالش‌گری با باطل دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد و کاربرد عدالت‌طلبانه و برپایی قسط و عدل قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد و کاربرد دفاعی و بازدارندگی قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارکرد خدمتگزارانه و بشردوستانه قدرت دلالت دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت بر کارکرد حمایتی و نجات‌بخش قدرت برای مظلومان و مستضعفان دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر نفی کارکرد سلطه‌جویانه و استکباری قدرت دلالت دارد.

۵-۲-۵. عوامل و منابع قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی غیب و ماوراءالطبیعه را منبع قدرت برمی‌شمارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ایمان و اتکال به خدا و باور به معاد به‌عنوان منبع قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه هر قدر که اتکال و اتصال جامعه ایمانی به خدا بیشتر شود، همه اسباب غیبی و شهودی به‌عنوان جنود الهی به ارکان قدرتش افزوده می‌شود (به خدمت گرفتن جنود الهی).
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر عقلانیت، تفکر و اندیشه به‌عنوان عامل و منبع قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر دانش و علم به‌عنوان منابع قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر عمل صالح و اجرای درست دستورات الهی به‌عنوان منبع قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر تقوا و تزکیه نفس و تربیت الهی به‌عنوان منبع قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر استغفار، استمداد و تضرع خالصانه از درگاه الهی به‌عنوان منبع قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی وجود رهبر و ولی مہدب، بصیر، شجاع و متصل به خزانه غیبی را منبع قدرت می‌شمارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه افزایش محبت قلبی و نفوذ معنوی عامل و منبع قدرت است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد صبر، استقامت و پایداری در برابر ضراء و سراء عامل و منبع قدرت است.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر این دلالت دارد فرهنگ علوی منبع قدرت است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر این دلالت دارد فرهنگ عاشورایی منبع قدرت است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر این دلالت دارد فرهنگ فاطمی و زینبی منبع قدرت است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر این دلالت دارد فرهنگ مهدویت منبع قدرت است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی تفکر بسیجی و مدیریت جهادی عامل و منبع قدرت می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی شعائر و ایام الله مذهبی، انقلابی و ملی را منبع قدرت می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی امکانات مالی و پولی امت اسلامی را از منابع قدرت می‌شمارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بسیج مردمی، وحدت و مشارکت جمعی را از منابع قدرت می‌شمارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی عده و عده نظامی را از منابع قدرت می‌شمارد.

۵-۲-۶. راه‌های کسب و حفظ قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر این دلالت دارد که کسب قدرت در طول اراده و خواست الهی است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه حد کسب قدرت بازدارندگی و تفوق بر دشمنان است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر تهذیب نفس و وارستگی معنوی در کسب قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر رعایت احکام خمس در کسب و حفظ قدرت دلالت دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی استفاده از روش‌های خلاف شرع و منهیات اخلاقی را در کسب قدرت ممنوع می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر کارائی و اثربخشی (کارآمدی) نظام و کارگزاران در حفظ قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه گسترش قسط و عدل در حفظ قدرت مؤثر است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه سلامت و اخلاق مدار بودن کارگزاران و سیستم در حفظ قدرت مؤثر است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی مقبولیت و وفاداری به نظام و کارگزاران را در حفظ قدرت مؤثر می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری را در حفظ قدرت مؤثر می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی استفاده از نمادهای اقتدارساز را در حفظ قدرت مؤثر می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی قدرت را امانت الهی و صاحب قدرت را حافظ و نگهدار آن می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه کسب و حفظ قدرت توجیه و ارزش ذاتی ندارد بلکه برای اجرای اوامر و نواهی الهی است.

۷-۲-۵. روش‌ها و شیوه‌های اعمال قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر اعمال قدرت با روش‌ها و شیوه‌های ایقانی - اقناعی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر اعمال قدرت با روش‌ها و شیوه‌های جذبی - حُبّی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر اعمال قدرت با روش‌ها و شیوه‌های ترغیبی - تشویقی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر اعمال قدرت با روش‌ها و شیوه‌های کروی - مشارکتی (نفی هرمی) دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر اعمال قدرت با روش‌ها و شیوه‌های اجباری - تنبیهی دلالت دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی توان بسیج مردمی و به صحنه کشاندن افکار عمومی را از روش‌ها و شیوه‌های اعمال قدرت برمی‌شمارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی روش‌ها و شیوه‌های نامشروع، حرام و باطل را در اعمال قدرت برنمی‌تابد.

۸-۲-۵. ابزار اعمال قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ابزارهای بلاغ - زبانی در اعمال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ابزارهای معنوی - اخلاقی (دعا، توسل، صداقت، ساده‌زیستی و...) در اعمال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ابزارهای هنری - رسانه‌ای در اعمال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ابزارهای قهری و زور در اعمال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر ابزارهای قانونی - هنجاری در اعمال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر نفی و ممنوعیت استفاده از ابزارهای نسل‌کشی دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر نفی و ممنوعیت استفاده از مواد نابودکننده عقل دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر نفی و ممنوعیت استفاده از ابزارهای غیراخلاقی و خلاف شرع دلالت دارد.

۸-۲-۵. توزیع قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی اصول و قواعد توزیع قدرت را ثابت و تغییرناپذیر، ولی شکل و سازوکار آن را نسبی، اقتضائی و متغیر می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی توزیع قدرت را در دوره حضور معصومان، متمرکز و در دوره غیبت، نیمه‌متمرکز می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر دو نوع سازوکار انتخابی و انتصابی توزیع قدرت تأکید دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت دارد بر اینکه توزیع قدرت مبتنی بر تقوا و مسئولیت‌پذیری است.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر احراز اهلیت، صلاحیت و شایستگی در توزیع قدرت تأکید دارد.

۱۰-۲-۵. کنترل و مهار قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی دلالت بر نقش خودکنترلی، تربیت و تهذیب نفس در مهار قدرت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی التزام به باورها و ارزش‌های دینی را کنترل‌کننده و مهارکننده قدرت می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی امر به معروف و نهی از منکر (نظارت عمومی، به‌ویژه نصیح ائمه المسلمین) را کنترل و مهارکننده قدرت می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی توزیع قدرت در چهارچوب موازین شرعی را مهارکننده قدرت می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی قانونگرایی و پاسخ‌گویی را کنترل و مهارکننده قدرت می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر آگاهی عمومی و بصیرت اجتماعی در کنترل و مهار قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی سیستم سالم و سازوکار کارآمد نظارتی بر عملکرد کارگزاران را در کنترل و مهار قدرت مؤثر می‌داند.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی نقد عالمانه و منصفانه عالمان و نخبگان را در کنترل و مهار قدرت مؤثر می‌داند.

۱۱-۲-۵. انتقال قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر نفی موروثی بودن انتقال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر احراز صلاحیت‌ها در انتقال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر مسئولیت‌پذیری خواص و مردم در انتقال قدرت دلالت دارد.

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر مشروعیت الهی داشتن مسیر انتقال قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر لزوم مقبولیت مردمی در انتقال قدرت دلالت دارد.

۱۲-۲-۵. رابطه قدرت

مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر رابطه امام و مأموم در قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر رابطه عاطفی و قلبی در قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر رابطه خدمت و خادمی در قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر رابطه حق و تکلیف در قدرت دلالت دارد.
مجموع ظرفیت‌های فرهنگی اسلامی - ایرانی بر رابطه هدایتگری در قدرت دلالت دارد.

نتیجه‌گیری

ادبیات قدرت مبتنی بر ظرفیت‌های فرهنگ تمدنی جمهوری اسلامی ایران متمایز با ادبیات قدرت مصطلع در مطالعات قدرت منبعث از اندیشه‌های غربی است. نتایج پژوهش نشان داد که:

- فرهنگ به مثابه روح جامعه و ملت ایران اسلامی و تمدن اسلامی و هویت‌بخش و بیت‌الغزل استقلال نظام جمهوری اسلامی در همه ابعاد است. فرهنگ در مقایسه با اقتصاد، سیاست و امور دفاعی و نظامی نقش کانونی و اصلی دارد؛ به گونه‌ای که اقتصاد، سیاست و امور دفاعی در ذیل و حاشیه بر فرهنگ هستند و همه مسائل و امور اقتصادی، سیاسی و دفاعی ملهم و متأثر از نظام فرهنگی‌اند. فرهنگ نظام جمهوری اسلامی برگرفته از سه رکن اسلامی، انقلابی و ایرانی است. هریک از آنها به تنهایی یا به صورت اندام‌واره در شکل‌گیری، تثبیت و تعالی نظام جمهوری و نیز عبور از بحران و آفرینش حماسه‌های ملی نقش اساسی داشته‌اند؛

- بررسی و تأمل بر دیدگاه‌های متفکران مسلمان درباره فرهنگ و نقش آن بر قدرت روشن‌کننده نقش و رابطه زیربنایی فرهنگ در قدرت است و فرهنگ به صورت مستقیم و

غیرمستقیم بر قدرت تأثیرگذار است. فرهنگ افزون بر نقش زیربنایی و تعیین‌کنندگی موجب رابطه اندام‌وارگی بین عناصر قدرت نیز هست. به تعبیر دیگر، فرهنگ با ایجاد روح واحد و وحدت معنایی ضمن تعامل ارگانیک و پیوستگی کارکردی و کاربردی بین عناصر قدرت، از تعارض نظری و عملی میان آنها جلوگیری می‌کند. همچنین این نتیجه به‌دست آمد که نقش فرهنگ در بیشینگی قدرت موجب بیشینگی امنیت شده و در پی آن، بیشینگی این‌دو کمینگی تهدید را فراهم می‌سازد. باوجوداین، بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد که فرهنگ می‌تواند بر عناصر و مؤلفه‌های قدرت همچون ماهیت (هدف و فلسفه)، مرجع و موضوع، کارکرد و کارویژه، شیوه‌های تأمین، ابزارهای اعمالی، منابع، بازیگران و... به‌طور مستقیم و غیرمستقیم و ایجابی و سلبی تأثیر بگذارد؛

- واکاوی ۱۱۳ گویه از یافته‌های ادبیات قدرت مبتنی بر ظرفیت فرهنگی جمهوری اسلامی معرف ادبیاتی از قدرت است که تمایز بنیادی با مطالعات قدرت در غرب دارد. نقطه ثقل و کانونی ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی «توحید» است که به‌مثابه دال مرکزی، سازمان‌دهنده نظام معنایی، انسجام‌بخش همه عناصر و مؤلفه‌های قدرت و متمایزکننده از دیگر ادبیات قدرت است؛

- واکاوی ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت فرهنگی مبین قدرت به نحو استعلایی است. بدین معنی که مطابق رهیافت‌های فرهنگ اسلامی، قدرت هم کمال است، هم از ذات کمال‌یافته مشوب می‌شود و هم به کمال رهنمون می‌سازد؛ برخلاف ادبیات دیگر، که بر استیلائی بودن قدرت و تحت سیطره قرار دادن دیگران تکیه دارند؛

- از نتایج ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی ج.ا.ا. برخوردار هم‌زمان از عوامل، منابع و ابزار این جهانی و آن جهانی و غیبی و شهودی قدرت است؛ درحالی‌که ادبیات متعارف غربی تنها بر عوامل، منابع و ابزار مادی و این جهانی نظر دارد. به بیان دیگر، ادبیات قدرت براساس فرهنگ اسلامی و ملی، هم‌زمان مبتنی بر قدرت مادی و عینی و قدرت معنوی و غیبی است؛

- بررسی ادبیات قدرت در جمهوری اسلامی نشانگر ویژگی «ایمانی - ایقانی» قدرت

است که فرایند دفع و جذب دشمن و دوست بر مدار استحکام درونی، مقاومت روحی و جذابیت‌های مادی و معنوی شکل می‌گیرد. این درحالی است که ادبیات دیگر قدرت بر «اغوا» و حداکثر «اقناع» مادی پای می‌فشارند؛

- ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی نمایانگر قدرتی است که تغییر رفتار را بر مدار نظام هم‌زمان «ترغیب و ترهیب» این جهانی و آن جهانی بنا می‌نهند. در صورتی که ادبیات متعارف غربی تغییر رفتار را تنها بر پایه «ترس و آز» این جهانی تعریف می‌کنند؛

- ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی ج.ا.ا نقطه عزیمت اعمال قدرت را «فطرت» و «نفس ناطقه» انسانی می‌داند به گونه‌ای که حتی فطرت و نفس فرعون را مخاطب قرار داده و با بهره‌گیری از جنود عقل او را علیه خود می‌شوراند. برخلاف ادبیات غربی که نقطه عزیمت را به بند کشاندن تن و روان، طبیعت و غریزه انسان با تکیه بر جنود جهل می‌دانند؛

- گوهر صدف ادبیات قدرت «امانی و تقویضی» بودن آن است که از منبع ذات احدیت جریان یافته و در فرایند و امتداد اسباب و مسببات مادی و معنوی مهم‌ترین شرط برخوردای از آن برابر خطبه پانزدهم نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین اهلیت و صلاحیت سه‌وجهی علمی، معنوی و فیزیکی است. بدین معنی که قدرت باید در دست داناترین، صالح‌ترین و تواناترین افراد باشد؛

- یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های ج.ا.ا «توان بسیج مردمی» است به گونه‌ای که قدرت در ادبیات اسلامی - ایرانی مبتنی بر آموزه «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» مظهر، مستظهر و معطوف به «مردم و ملت‌ها» است و چنین قدرتی بر پایه آموزه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» بالاتر از همه قدرت‌ها قرار می‌گیرد. این ویژگی در سایر ادبیات قدرت به دلیل بریدگی از توحید افعالی و نگاه ابزارگرایانه به مردم، مغفول بلکه ناپسند است؛

- از کلیدواژه‌های کانونی ادبیات قدرت متناسب با ظرفیت‌های فرهنگی ج.ا.ا واژه‌های «اسْتَطَعْتُمْ» و «تُرْهِبُونَ» یا «آمادگی‌های همه‌جانبه» و «ترسانیدن دشمن» به استناد «مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰) است که شاقول و

مدار پیشرفت، آمادگی‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فناورانه، و سازوبرگ نظامی و دفاعی را بازدارندگی جامعه اسلامی از تهدیدهای دشمن می‌داند؛ به گونه‌ای که دشمن حتی در خیال خود، حمله به جمهوری اسلامی را در سر نپروراند.

کتابنامه

ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۴). ظرفیت‌های فرهنگی - هویتی جهان فطری. دین و سیاست فرهنگی، ۲(۵)، ۴۹-۷۶.
ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. مطالعات بسیج، ۱۱(۴۰)، ۷-۳۰.

آشوری، داریوش (۱۳۸۱). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران، آگاه
بلیک، ژانت (۱۳۸۹). قدرت نرم، تهدید نرم: پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی. ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه، راهبرد، ۱۹(۵۵)، ۱۲۳-۱۳۸.

بیکی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
پور احمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران. قم، بوستان کتاب.
تافلر، الوین (۱۳۷۰). تغییر ماهیت قدرت. (شاهرخ بهار و حسن نورانی بیدخت، مترجمان). تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.

ترابی، قاسم، و رضایی، علی‌رضا (۱۳۹۰). فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی. مطالعات راهبردی، ۱۴(۴)، ۱۳۵-۱۶۲.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). جامعه در قرآن، به کوشش مصطفی خلیلی، قم، اسراء.
حافظنیا، محمدرضا، و زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶). جایگاه جمهوری اسلامی در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای. راهبرد دفاعی، ۵(۱۸).

جعفری‌پناه، مهدی، و پوراحمدی، حسین (۱۳۹۱). قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران. مطالعات قدرت نرم، ۳(۸)، ۹۷-۱۱۳.

دانایی فرد، حسن، کرد نائیج، اسدالله، و لاجوردی، سمانه (۱۳۹۰). ارتقای ظرفیت خط‌مشی‌گذاری کشور: گونه‌شناسی نقش کانون‌های تفکر. مدیریت دولتی، ۳(۶)، ۵۵-۱۳۲.

دودینگ، کیت (۱۳۸۰). قدرت. (عباس مخبر، مترجم). تهران، آشیان.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵). لغت‌نامه. تهران، دانشگاه تهران.
- دارا، جلیل، و قربانی، سعید (۱۳۹۸). بازشناسی بازشناسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۳۱(۹)، ۲۰۹-۲۳۶.
- خسروی، محمدعلی، و جباری ثانی، عباسعلی (۱۳۹۰). ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی. مطالعات سیاسی، ۳(۱۱)، ۸۳-۱۱۶.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام. حافظ‌نیا، محمد رضا، زرقانی، سید هادی، احمدی پور، زهرا، و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۵). طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها. ژئوپلیتیک، ۲(۴)، ۴۶-۷۳.
- طائفی، علی (۱۳۷۴). «فرهنگ بیگانه‌ستیزی و موضع ایرانیان درمقابل فرهنگ مهاجم. فرهنگ و توسعه، ۴(۲۱)، ۳۷-۴۲.
- شیرودی، مرتضی. (۱۳۹۸). پیوندهای معنایی قدرت نرم و تمدن نوین اسلامی در راهبرد تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. در مجموعه مقالات گام دوم انقلاب: الگوی نظام انقلابی تمدن ساز. سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی (ج ۲، صص ۱۴۷-۱۶۶). دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- عبدالرزاق، علی (۱۳۸۰). اسلام و مبانی قدرت. (امیر رضایی، مترجم). تهران، قصیده‌سرا. عسکری، محمود (۱۳۸۶). شاخص‌های قدرت منطقه‌ای. راهبرد دفاعی، ۵(۱۸)، ۴۵-۷۶.
- فرهودی، داریوش (۱۳۹۲). ایران فرهنگی. تهران، صبا.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم. تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ معین. تهران، امیرکبیر.
- موحدی، مسعود (۱۳۸۳). تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی. تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۴۳). فرهنگ نفیسی. تهران، کتاب‌فروشی بهنام.
- نوری مطلق، علی (۱۳۸۹). ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی شیعه. شیعه‌شناسی، ۸(۲۹)، ۶۳-۱۰۴.